



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی (گروه زبانشناسی و زبانهای خارجی)

عنوان :

مقایسه انگیزه‌ی یادگیری زبانهای خارجی (انگلیسی و عربی) بین دانش
آموزان دوزبانه دبیرستانهای شهر خوی

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته آموزش زبان فارسی

استاد راهنما : سرکار خانم دکتر عارفی

استاد مشاور: آقای دکتر زندی

پژوهشگر : معصومه معصومی

تیر ماه ۱۳۹۱

چکیده

از میان متغیرهای مختلفی که در یادگیری زبان خارجی و یا زبان دوم مؤثر می باشند، عواملی که به یادگیرنده مربوط هستند از اهمیت بیشتری برخوردارند. از میان متغیرهای مربوط به یادگیرنده عواملی که به احساسات و عواطف، نگرشها و انگیزه های یادگیرنده برمی گردند دارای بیشترین اهمیت می باشند.

هدف اساسی این مطالعه مقایسه میزان انگیزه و نگرش دانش آموزان نسبت به یادگیری زبانهای خارجی انگلیسی و عربی می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دوزبانه ی مقطع اول دبیرستانهای شهر خوی تشکیل می دهند. نتایج تحقیق نشان می دهد که میانگین انگیزه ابزاری دانش آموزان در زبان انگلیسی بیشتر از زبان عربی می باشد ولی در مقوله ی انگیزه ی یکپارچگی تفاوت معناداری بین دو درس وجود ندارد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که بین انگیزه یادگیری زبانهای انگلیسی و عربی نزد دانش آموزان دبیرستانی تفاوت وجود دارد. همچنین بین نگرش به یادگیری زبان انگلیسی و نگرش نسبت به یادگیری زبان عربی نزد دانش آموزان تفاوت وجود دارد و میانگین نگرش نسبت به یادگیری زبان عربی و نگرش نسبت به مردم عرب زبان بالاتر از میانگین نگرش نسبت به یادگیری زبان انگلیسی و نگرش نسبت به مردم انگلیسی زبان است.

از بین عوامل انگیزشی و نگرشی بین عامل انگیزه و پیشرفت تحصیلی زبان خارجی رابطه ی معناداری نشان داده نشده است ولی بین نگرش به زبان خارجی و پیشرفت تحصیلی در آن زبان رابطه مثبت وجود دارد. انگیزه یادگیری زبانهای خارجی در بین دختران و پسران یکسان می باشد به عبارتی عامل جنسیت تأثیری در میزان انگیزه زبان آموزی ندارد.

فصل اول

کلیات تحقیق

استفاده از زبان توسط افراد مختلف بنا به یکی از دلایل مثل تبادل اطلاعات با دیگران، کسب یکی از مهارت‌های زبانی یا دانشی، ابراز نوعی همدردی عاطفی با دیگران و یا افزایش عزت نفس صورت می‌گیرد.

شکی در این نیست که یادگیری زبان خارجی با یادگیری موضوعات درسی دیگر فرق دارد، علت عمده‌ی آن ماهیت اجتماعی بودن این کار است. زبان به کل زندگی اجتماعی شخص بستگی دارد؛ بخشی از هویت اوست؛ و برای انتقال این هویت به افراد دیگر به کار می‌رود. یادگیری زبان خارجی مستلزم حضور عواملی و رای مهارت‌های ساده‌ی یادگیری یا مجموعه‌ای از قواعد یا دستور زبان است؛ یادگیری زبان خارجی مستلزم تغییر در خود پنداری است و مستلزم اتخاذ رفتارهای جدید اجتماعی و فرهنگی و طرق جدید زندگی است. بنابر این تأثیر چشمگیر بر ماهیت اجتماعی یادگیرنده دارد.

حال با توجه به این خصوصیات و نقشی که برای همگان یکسان است، چرا برخی از افراد در فراگیری زبان بسیار موفق و برخی ناتوانند؟ شواهد نشان می‌دهد با وجود اینکه دانش آموزان به مدت شش یا هفت سال زبان عربی را فرا می‌گیرند، کمتر فارغ‌التحصیل دبیرستان می‌تواند با اکتفا به اندوخته‌هایش در مدرسه قادر به ترجمه و فهم مضامین متعال قرآن و احادیث باشد. یکی از دغدغه‌هایی که از دیر باز فکر متخصصین تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته، درک و شناخت هدف دانش آموزان از فراگیری زبان دوم است. این امر از این جهت حائز اهمیت است که با شناخت این اهداف، برنامه ریزی آموزش به واقعیات بسیار نزدیکتر خواهد بود.

فراگیری زبان دوم و عوامل عاطفی در دهه‌های اخیر با انتشار کتاب «نگرش، انگیزش و یادگیری زبان دوم» توسط گاردنر و لامبرت (۱۹۷۲)، مورد توجه فراوانی قرار گرفتند. تأکید آنها بر شرائط اجتماعی بود. آنها تقریباً تمامی عوامل دیگر را به فراموشی سپردند. کار آنها از این جهت مهم بود که رابطه مهم مستقل انگیزه و نگرش فراگیر با اکتساب زبان دوم را به زبان آماری ارائه نمودند. از دیدگاه مدل آموزشی-اجتماعی تئوری گاردنر، عوامل اجتماعی فرهنگی، روانشناسی، انگیزه و نگرش فراگیران را شکل می‌دهند. بر اساس این مدل عوامل انگیزشی-نگرشی دانش آموزان همبستگی زیادی با پیشرفت در زبان دوم دارند. انگیزش یکی از عواملی است که تأثیر خارق العاده بر فراگیری زبان دوم دارد.

از نظر گاردنر مفهوم انگیزش چند بعدی بوده و اضطراب، تمایل و نگرش نسبت به فراگیری زبان دوم را در بر می گیرد. نگرش با دینامیکهای انگیزشی همبستگی در سطح بالایی دارد و در فرایند کسب مهارتهای زبان دوم به شدت اثر گذار است. انگیزه را گاردنر به دو قسمت عمده یعنی انگیزه یکپارچگی و انگیزه ابزاری تقسیم نموده است. انگیزه یکپارچگی با هدف تشخیص اجتماعی و عضوی از جامعه هدف شدن همراه می باشد و معمولاً در جوامعی شکل می گیرد که افراد با جامعه زبان هدف تعامل نزدیک دارند. اما انگیزه ابزاری از فراگیری زبان دوم در جهت رسیدن به اهداف مادی مورد استفاده قرار می گیرد، اهدافی چون شغل بهتر، مزایای بیشتر و معمولاً در حالتی شکل می گیرد که تعامل با افراد جامعه زبان هدف وجود ندارد. این پژوهش در پی بررسی عوامل انگیزه و نگرش در فراگیری زبان خارجی بخصوص در موقعیت غیر واقعی (کلاس) است و نقش این عوامل را در یادگیری دو زبان انگلیسی و عربی بعنوان زبان خارجی بین دانش آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار داده و به مقایسه میزان انگیزه و نگرش فراگیر نسبت به این دو زبان می پردازد. بعد از بیان نظریه های مربوط به یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی و ارائه تحقیقات انجام گرفته در این زمینه با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی نتایج استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پایان هم به توجه به نتایج حاصل از پژوهش چند پیشنهاد ارائه شده است.

۱-۲ بیان مسئله :

یک وجه مشترک در اکثر کلاسهای زبانهای خارجی این است که آیا لزومی برای تدریس زبان خارجی وجود دارد؟ بسیاری از معلمان زبان انگلیسی و یا عربی در کلاسهای درس از عدم وجود انگیزش یا پایین بودن انگیزه در بین شاگردان گلایه دارند. چمبرز^۱ (۱۹۹۳) مسائلی را در این زمینه مطرح می کند که برای معلمان زبان خارجی آشناست: «فقدان باور در توانایی شاگردان، عدم تلاش برای یادگیری زبان، نگرش منفی نسبت به استفاده از زبان، عدم علاقه نسبت به یادگیری زبان، انجام ندادن تکلیف مربوط به زبان و ...». این عبارات و دهها عبارات دیگر در کلاسهای درس زبان خارجی مطرح است. شاید یکی از دلایل آن این باشد که این واحد درسی در مدارس اجباری است. علیرغم اهمیت زبان انگلیسی در دنیای تجارت، شاگردان (بخصوص در کشور های غیر انگلیسی زبان) در زندگی روز مره خود کمتر آنرا مورد استفاده قرار می دهند.

مینگ چینگ هو^۲ (۱۹۸۸) معتقد است که مطالعه فرهنگ زبان خارجی یکی از نیروهای محرکه است که شاگردان را به یادگیری زبان خارجی می کشاند. در تایوان دیده شده است که درس مطالعات فرهنگی ابزاری برای افزایش انگیزه شاگردان برای یادگیری زبان خارجی است.

کومنیوس^۳ (به نقل از فلوینگ^۴ ۱۹۹۴) بر این باور است که انگیزه کلید اصلی یادگیری زبان دوم (یا خارجی) است و پیشنهاد می کند که اگر شاگردان مجاب شوند که یادگیرندگان زبان در آموختن موفق هستند، آنان نیز بیشتر بر انگیزه می شوند.

درمدل اجتماعی- تربیتی گاردنر^۵ (۱۹۸۵)، یادگیری زبان خارجی تحت نفوذ دو انگیزه قرار می گیرد. انگیزه یکپارچگی (تمایل برای آشنا شدن و برقراری ارتباط با افراد جامعه زبان هدف) و انگیزه ابزاری (به دست آوردن شغل، گذراندن امتحان و کسب نمره بالا و ...). (مینگ چینگ هو ۱۹۹۸)

1-Chambers
2-Meng-Ching Ho
3-Cummins
4-Flewelling
5-Gardner

یانگ (۱۹۹۴) دریافت که انگیزه ابزاری در کشورهای غیر غربی نسبت به انگیزه یکپارچگی در بین شاگردان ، قوی تر عمل می کند . گاردنر و مک انکیر (۱۹۹۱) نیز دریافتند که انگیزه ابزاری در برخی از جوامع در یادگیری زبان دوم مؤثر است . مسئله مهم در دوگانگی انگیزه ابزاری / یکپارچگی این است که شاگردانی که هیچگونه تماسی با جامعه زبانی هدف ندارند ، انگیزه های متفاوتی از خود نشان می دهند (دورنی ^۱ ، ۱۹۹۰) . دورنی سعی بر پاسخ بر این سؤال داشت و در این راستا به عامل دیگری نیز پرداخت که آن مربوط می شود به نیاز به موفقیت . انگیزش و نیازها رابطه بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند . از طرفی ، انگیزش پایه ای برای نیازهاست و از طرف دیگر ، نیازهای انسانی به عنوان سائقه که حرکت را ایجاد می کند ، تلقی می شود . معروفترین تئوری نیازهای انسانی را مزلو^۲ در پنج طبقه بندی ارائه داده است که در سطح پایین آن نیازهای فیزیولوژی و در سطح بالای آن خود شکوفایی وجود دارد . آزوبل^۳ نیز به شش خواست انسانی اشاره دارد براون^۴ (۱۹۸۷) اشاره با این نکته دارد که : " شش نیاز اساسی این طبقه بندی درکل ، مربوط می شود به زبان دوم . "

در سلسله مراتب نیازهای مزلو ، نیاز برای یادگیری زبان خارجی یا دوم اساساً مرکز ثقل جنبه های روان شناختی سطوح دوم در این سلسله مراتب را اشغال کرده است . اگر این سطح از نیاز بر آورده شود ، نوبت به سطح سوم ، چهارم و پنجم می رسد . در موقعیت یادگیری زبان دوم و خارجی ، شکست در بر آورده نشدن نیازهای شاگردان و عدم امنیت ، آنان را در معرض ریسک و خطر قرار می دهد .

عدم امنیت روان شناختی یادگیرندگان زبان دوم می تواند اضطراب زا باشد و اگر این اتفاق بیفتد یادگیرندگان زبان دوم در نیازها یشان ، انگیزشان و عملکرد کلاسی شان واپس زده می شوند . (مک انکیر & گاردنر، ۱۹۹۱)

^۱ . Dornyei
^۲ . Maslow
^۳ . Ausubel
^۴ . Brovne

۱-۳ اهداف پژوهش

هدف اصلی این تحقیق مقایسه متغیرهای انگیزشی و نگرشی در یادگیری زبان های خارجی (انگلیسی و عربی) است .

هدف های ریز این تحقیق عبارتند از :

- تفاوت بین انگیزه یادگیری زبان انگلیسی و زبان عربی
- تفاوت بین نگرش به یادگیری عربی و انگلیسی
- رابطه بین عوامل انگیزشی با پیشرفت تحصیلی در همان زبان (انگلیسی و عربی)
- رابطه بین متغیرهای انگیزشی و جنسیت در یادگیری زبان خارجی
- سنجش سطح نگرش دانش آموزان برای یادگیری زبانهای خارجی

۱-۴ فرضیه های پژوهش

- ۱- بین انگیزه یادگیری زبان انگلیسی و عربی نزد شاگردان دبیرستانی تفاوت وجود دارد .
- ۲- بین نگرش نسبت به یادگیری زبان انگلیسی و عربی نزد شاگردان دبیرستانی تفاوت وجود دارد .
- ۳- بین عوامل انگیزشی و پیشرفت تحصیلی زبان خارجی (معدل درس زبان) شاگردان دبیرستانی رابطه وجود دارد
- ۴- بین متغیرهای انگیزشی و جنسیت در یادگیری زبان خارجی رابطه وجود دارد .

۱-۵ متغیرها

متغیرهای این پژوهش عبارتند از جنس ، نمره زبان انگلیسی ، نمره زبان عربی ، نگرش ، انگیزه و یادگیری . متغیر جنس بعنوان متغیر تعدیل کننده (مستقل دوم) ، متغیر پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر وابسته ، متغیرهای انگیزه و نگرش ، متغیر مستقل و یادگیری متغیر مداخله گر می باشد . اطلاعات مورد نیاز در جداول ذیل ارائه گردیده است :

جدول ۱-۱ : تفکیک متغیرها بر اساس نوع

متغیر نوع	مستقل	وابسته	مداخله گر	تعدیل کننده
جنس	-	-	-	+
یادگیری	-	-	+	-
پیشرفت تحصیلی	-	+	-	-
انگیزه	+	-	-	-
نگرش	+	-	-	-

جدول ۱-۲ : تفکیک متغیرها بر اساس مقیاس

متغیر مقیاس	یادگیری	جنس	پیشرفت تحصیلی	انگیزه	نگرش
اسمی	-	+	-	-	-
رتبه ای	+	-	+	-	-
فاصله ای	+	-	+	+	+

۶-۱ تعاریف عملیاتی

نگرش^۱: باورها و ادراکات فراگیر از موضوعات اجتماعی که در تعاملات روزانه با آنها سروکار دارد. این موضوعات ممکن

است مثل افراد با زبانهای مختلف، واقعی باشند و یا مفاهیمی انتزاعی چون رسومات برقرار شده، تعاملات بین گروهی یا

تجربیات یادگیری. (چان ایپ ۱۹۸۵، ص ۱۱ به نقل از علی اکبری ۱۳۸۱: ۱۸)

انگیزش^۲: صفات ویژه تأثیر گذار که سرمنشاء تلاش دانش آموز در جهت فراگیری عناصر زبان بوده و مشتمل است بر تمایل

دانش آموز برای پیشرفت در جهت هدف و میزان تلاش مصروفه وی در این راه. (همان منبع: ۱۹)

از نظر گاردنر تعریف عملیاتی انگیزه عبارت است از، ترکیبی از میل به یادگیری زبان، شدت انگیزش، و نگرش های او نسبت

به یادگیری زبان. (چگنی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

زبان اول: زبان مادری یا زبانی که فرد برای اولین بار فرا می گیرد. زبان اول ممکن است به زبانی اطلاق گردد که فرد هنگام

استفاده احساس راحتی بیشتر می نماید و اغلب این واژه مترادف زبان ملی مورد استفاده قرار می گیرد. (همان)

زبان دوم^۳: نقطه مقابل زبان اول بوده و معمولاً با واژه ی زبان خارجی برای بیان مفهوم یکسانی توسط زبان شناسان مورد

استفاده قرار می گیرد. (ریچاردز، پلاتس^۴، ۱۹۹۲)

یادگیری: عبارت است از فرایند تغییرات نسبتاً پایدار بر اثر تجربه که در رفتار بالقوه فرد به وجود می آید.

(سیف، ۱۳۸۶: ۳۰)

یادگیری عبارت از کسب اطلاعات، معلومات یا مهارتهای خاص است. یادگیری آموزشی انتقال دانسته ها و مفاهیم علمی از

فردی (معلم و استاد) به فرد دیگر (شاگردان) است. (زندى، ۱۳۸۳: ۵۹)

1. Attitude

2. Motivation .

3. second language achievement .

4. Richards , Plats .

۱-۷ ضرورت اجرای طرح

یکی از مسائلی که ذهن معلمان را مشغول می‌سازد، عوامل عاطفی مؤثر در یادگیری کلاسی است. احساسات، علاقه، تمایل به پیوستن به جامعه زبانی می‌توانند فراگیری زبان خارجی را تسهیل نموده و یا در سر راه آن مانع ایجاد نمایند. آما^۱ معتقد است که عواملی وجود دارد که در اثر تعامل با یکدیگر، الگوهایی را بوجود می‌آورند که در ضمیر نیمه هوشیار دانش آموز عمل می‌کنند. این الگوها با نگرش فرد نسبت به فراگیری یک زبان خارجی، انگیزه او از یادگیری زبان خارجی و سطح اضطراب وی مرتبط هستند. تمامی این الگوها تحت تأثیر سطح فرهنگ پذیری و خصوصیات فردی قرار دارند. این سطح فرهنگ پذیری تعیین کننده ی نگرش فرد نسبت به فراگیری زبان خارجی است و با چگونگی عکس العمل فرد در مقابل خود زبان و آنهاییکه به آن زبان سخن می‌گویند، مرتبط است. اگر دانش آموز زبان خارجی و افرادی که به آن زبان سخن می‌گویند را دوست داشته باشد، نگرش مثبت در وی نسبت به آن ایجاد می‌شود. اما اگر علاقه ای به زبان نداشته باشد، نگرش منفی در وی بوجود آمده و روند آموزشی را با مشکل مواجه خواهد کرد (گازوتی^۲، ۲۰۰۰).

بنابر این انگیزش عامل مهمی در پیشرفت در فراگیری زبان خارجی است. به همین دلیل شناخت نوع و ترکیب انگیزش که به موفقیت در یادگیری زبان خارجی کمک می‌نماید از اهمیت خاصی برخوردار است.

متأسفانه در نظام آموزشی ایران، محققین به این مهم توجه کافی مبذول نداشته اند و منابع فارسی در این زمینه بسیار محدود می‌باشد. به نظر می‌رسد که شناخت انگیزه ی دانش آموزان برای یادگیری زبان انگلیسی (به عنوان زبان بیگانه - خارجی) و زبان عربی (به عنوان زبانی که به زبان فارسی نزدیکتر است) و مقایسه این دو، از اهمیت بسزایی برخوردار است و می‌تواند راهگشای برنامه ریزان دروس زبان باشد.

فصل دوم

مبانی نظری و مرور پیشینه

۱-۲ مقدمه

زبان یکی از نشانه های بزرگ خداوند است که تنها به نوع انسان کرامت شده و با مزین شدن او به این نعمت ، خلقتش به کمال رسیده است . یکی از راههای ایجاد ارتباط و تبادل افکار با سایر ملل ، یادگیری زبان خارجی می باشد . بسیاری از دانش پژوهان مطالب علمی خود را در قالب زبان اشاعه داده اند و برای دستیابی به دانش آنها باید به زبانهای مختلف مسلط گشت و آنها را آموخت . به همین دلیل است که امروزه آموزش زبان خارجی بعنوان یکی از رشته های تحصیلی در نظر گرفته شده است .

(عطائی ۱۳۸۳ ص ۱۰)

آموزش زبانهای خارجی با توجه به گسترش سریع تکنولوژی الکترونیک ، وسایل ارتباطی دوربرد و کامپیوتر ها ، ابعاد تازه ای به خود گرفته است . فراوانی ارتباطات سیاسی ، بازرگانی ، اطلاعاتی و آموزشی در جهان امروز ، بر ضرورت فراگیری حداقل یک زبان خارجی تأکید می نماید . (چادر باف ۱۳۸۰)

با توجه به افزایش روابط بین الملل جامعه ی ما با دیگر ملت ها و همچنین تمایل گسترده بسوی تکنولوژی و علم روبه رشد در کل دنیا ، یادگیری زبانهای خارجی بویژه انگلیسی به عنوان یک زبان بین المللی در مقایسه با سالهای گذشته اهمیت بیشتری

یافته است. افزایش تعداد مؤسسه های زبان و دانش آموزان آنها، همچنین تمایل والدین نسبت به یادگیری زبان انگلیسی توسط فرزندانشان می تواند مدرکی مبنی بر ارزش زبان انگلیسی در کشور ما باشد. (معین وزیری....)

به گفته ویلیامز و بردن^۱، یادگیری زبان خارجی با یادگیری موضوعات درسی دیگر فرق دارد، علت عمده ی آن ماهیت اجتماعی بودن این کار است. زبان به کل زندگی اجتماعی شخص بستگی دارد؛ بخشی از هویت اوست و برای انتقال این هویت به افراد دیگر به کار می رود. یادگیری زبان خارجی مستلزم حضور عواملی و رای مهارتهای ساده ی یادگیری یا مجموعه ای از قواعد یا دستور زبان است؛ یادگیری زبان خارجی مستلزم تغییر در خود پنداری است و مستلزم اتخاذ رفتارهای جدید اجتماعی و فرهنگی و طرق جدید زندگی است. بنابر این تأثیر چشمگیر بر ماهیت اجتماعی یادگیرنده دارد. (چگنی ۱۳۸۶ ص ۱۵۶)

علاوه بر زبان انگلیسی، زبان عربی هم بعنوان یک واحد درسی در برنامه درسی دانش آموزان گنجانده شده است و شاگردان ملزم به یادگیری و گذراندن این واحد درسی می باشند. اصلی ترین هدف آموزش این زبان در جامعه ی ما آشنایی بیشتر و بهتر با احادیث و مضامین قرآنی می باشد که برای درک شعائر دینی برای هر مسلمانی لازم و ضروری می باشد.

با توجه به جایگاه متفاوت این دو زبان (انگلیسی و عربی) در جامعه ی ما (انگلیسی بعنوان زبان بین المللی و زبان دنیای مدرن و عربی بعنوان زبان دین و همچنین زبان نزدیک به فارسی)، دانش آموزان در دوران تحصیل و پس از آن از لحاظ تسلط و پیشرفت در هر دو زبان با مشکلاتی روبرو هستند و بعد از اتمام دوره ی دبیرستان تسلط لازم و کافی نسبت به این دو زبان را ندارند. در نظام آموزشی کشور ما همیشه این سؤال مطرح بوده و هست که، چرا دانش آموزان پس از گذشت هفت سال تحصیلی برای درس زبان انگلیسی و هشت سال یا بیشتر برای درس عربی، توانایی لازم را در مهارتهای زبان مورد نظر ندارند؟ این پژوهش تأثیر عوامل نگرش و انگیزه را در یادگیری زبانهای انگلیسی و عربی بین دانش آموزان مورد بررسی قرار داده و به مقایسه این عوامل در یادگیری دو زبان (عربی و انگلیسی) می پردازد. و سعی شده است به تعدادی از سئوالات فوق تا حد ممکن پاسخ لازم داده شود.

در این فصل نگرش و انگیزش دانش آموزان که از متغیرهای مؤثر در فراگیری زبان خارجی می باشند مورد بحث و بررسی قرار گرفته و پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه آورده شده است.

۲-۲ مفهوم انگیزش

مفهوم انگیزش^۱ به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رفتار همواره در علم روان شناسی به ویژه در روانشناسی تربیتی از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. واکنش دانش آموزان در برابر مدرسه و فعالیتهای کلاسی، همچنین نسبت به دروس مختلف متفاوت است. این واکنش در برخی با اشتیاق و در برخی با اکراه و در برخی دیگر با امتناع همراه است. همچنین از لحاظ مقدار انرژی که دانش آموزان بکار می گیرند، زمینه ای که می خواهند کار کنند و یا تداوم در زمینه و یا کار مورد نظر بین آنها تفاوت وجود دارد؛ این تفاوتها به مفهوم انگیزش ارتباط دارد. (قاسمی پیر بلوطی، ۱۳۷۵)

چه در محیطهای آموزشی و چه در محیطهای خارج از آموزشگاه، بدون توجه به انگیزه های یادگیرندگان هر طرح و برنامه ای با موفقیت همراه نخواهد بود. با اینکه مفهوم انگیزش از دیدگاه مکاتب گوناگون روانشناسی تعریف های متفاوتی دارد ولی همه ی روانشناسان در این نکته متفق القول هستند که انگیزه عاملی است درونی که رفتار شخص را تحریک کرده و در جهت معینی سوق می دهد. انگیزه را به طور مستقیم نمی توان مشاهده کرد ولی وجود آنرا از روی رفتار شخص استنباط می کنیم. (همان منبع)

اصطلاح «انگیزش» به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد و انگیزش به این معنی تمامی روانشناسی را در بر می گیرد.

(اتکینسون^۲ و همکاران ۱۹۸۳ ص ۳۰۲ به نقل از قدم پور، ۱۳۷۷). به نظر لفرانسو (۱۹۹۷)، «دلیل اینکه چرا ما بعضی رفتارها را انجام می دهیم ولی بعضی دیگر را انجام نمی دهیم انگیزه های ما هستند» (سیف، ۱۳۸۶: ۳۴۸)

قدم پور (۱۳۷۷) از قول بال^۳ (۱۹۸۴) انگیزش را حالتی درونی می داند که رفتار معطوف به هدف را ایجاد، فعال و

حفظ می نماید. از نظر روانشناسان معمولاً انگیزش فرایندی است که در برانگیختن^۴، جهت دادن^۵، و پایداری رفتار^۶ مؤثر است.

-
- 1- motivation .
 - 2- Atkinson .
 - 3- Ball .
 - 4- Arousing .
 - 5- Directing .
 - 6- Sustaning .

انگیزش از قول ماسن و همکاران ، عبارت است از گرایشی همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین

معیارها ، تلاش برای موفقیت در عملکرد و بر خورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است . (کربلایی ، ۱۳۸۰)

گرجیان (۱۳۷۷) ، انگیزه یا انگیزش را داشتن یک نیاز جسمانی یا نیاز روانی و اجتماعی می داند که شخصی را برای نیل

به هدف به حرکت وا می دارد تا در پرتو آن به ارضاء نیاز خود پرداخته و در اثر دستیابی به هدف در خویش احساس رضایت

نماید . وی در ادامه می افزاید « میزان و نوع انگیزش در کیفیت و کمیت فرایند یادگیری نقش تعیین کننده ای دارد و معلم زبان

در دادن انگیزش به زبان آموز در یادگیری زبان خارجی نقش عمده ای ایفا می کند ».

برخی نظریه پردازان بین دو اصطلاح انگیزش و انگیزه تفاوت قائل شده اند ؛ سیفرت (۱۹۹۲) در تعریف انگیزش آنرا یک

تمایل یا گرایش به عمل کردن به طریقی خاص می داند و انگیزه ، را نیاز یا خواست ویژه ای که انگیزش را موجب می شود.

انگیزش عامل کلی مولد رفتار ، اما انگیزه علت اختصاصی یک رفتار به حساب می آید ، پس انگیزه دقیق تر از انگیزش است و

بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می رود . (سیف ، ۱۳۸۶ : ۳۴۸)

۱-۲-۲ عوامل مؤثر در ایجاد انگیزش

عوامل تشکیل دهنده ی انگیزش به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند :

۱- عوامل درونی (شخصی) ، ۲- عوامل بیرونی (محیطی) .

عوامل و متغیرهای شخصی عبارتند از فعالیتهایی که خاستگاه یا منشاء درونی دارند و از هدفهای معینی پیروی می کنند ، مانند گرسنگی که فرد را به سوی غذا می کشاند یا امید به دریافت نمره ی خوب که شاگرد را به کار و کوشش بیشتر وا می دارد . اما متغیرهای محیطی بیرون از وجود شخص هستند و برای به دست آوردن یا گریز از زیان احتمالی آنها او را به فعالیت وا می دارند ، مانند مال و علم و امتیازهای درسی یا گریز از انواع ناکامیها و سرشکستگیها . هنگامی که متغیرهای شخصی و محیطی به طور مشترک دست به کار می شوند رفتار را به سوی یک هدف مشخص و فعالیت معین رهنمون می شوند . در این صورت است که باید گفت فرد به حد اعلا ی انگیزش رسیده است . (پارسا ، ۱۳۷۲ : ۱۸۱)

۲-۲-۲ تقسیم بندی مفهوم انگیزش

مفهوم انگیزش از جهات مختلف تقسیم بندی شده است : ۱- انگیزش درونی (ذاتی) و بیرونی (عرضی) ،

۲- انگیزش عمومی و انگیزش اختصاصی ۳- انگیزش وسیله ای و انگیزش سازگاری

انگیزش ذاتی : انگیزشی را که بدون هیچ پاداش آشکار جز خود فعالیت موجد آن نیست ، انگیزش ذاتی یا درونی گویند . دانش آموزی که به سبب چالش انگیزی و پیچیدگی تکلیف و یا به این دلیل که تکلیف ؛ احساسات شایستگی ، تبحر ، کنترل یا خود مختاری را فراهم می نماید ، کوشش می کند ؛ دارای انگیزه ی ذاتی برای یادگیری می باشد . (دسی و ریان ۱۹۸۵ ، به نقل از قدم پور)

بر اساس طبقه بندی مازلو (۱۹۷۰) ما پس از بر آورده شدن نیازهای گروهی به دنبال بدست آوردن حس خود واقع بینی^۱ هستیم . صرف نظر از وجود یا عدم وجود پاداش های بیرونی ما برای رسیدن به خود باوری تلاش می کنیم . فعالیتهای دارای انگیزه ی درونی آنهایی هستند که در مقابل انجام آن هیچ پاداشی ظاهری جز خود فعالیت وجود ندارد . افراد ظاهراً به خاطر خودشان و نه برای پاداش بیرونی به آن فعالیت دست می زنند . رفتارهای دارای انگیزه ی درونی نتایج خاص درونی را به دنبال دارد که عمدتاً احساسات « توانش » و « اراده ی فرد » را به دنبال دارد . (فهیم ، ۱۳۸۱ : ۱۷۱)

همچنین براون به نقل از مازلو (۱۹۷۰) بیان می کند که انگیزه ی درونی به وضوح بر انگیزه ی بیرونی برتری دارد . بر اساس سلسله مراتب احتیاجات وی ، پس از اینکه امنیت ابتدایی فیزیکی و نیازهای گروهی ما بر آورده شد ما به دنبال بدست آوردن « حس خود واقع بینی » هستیم . صرف نظر از وجود یا عدم وجود پاداش های بیرونی ، ما برای رسیدن به خود باوری و برآورده شدن نیازهایمان تلاش می کنیم . براون از قول جروم برونر^۱ (b ۱۹۶۶) ضمن تحسین « استقلال خود پاداشی » چنین بیان می دارد که یکی از مؤثرترین روش ها برای کمک به کودکان و بزرگسالان در جهت فکر و یادگیری این است که آنها را از فشار پاداشی و تنبیهی رها سازیم . یکی از نقاط ضعف اصلی رفتار دارای انگیزه ی بیرونی ماهیت اعتیاد آور آن است زمانی که با وسوسه ی یک جایزه یا تشویق فوری در دام می افتیم ، وابستگی ما به این پاداش ها به طور ملموس افزایش می یابد تا حدی که عدم وجود آنها می تواند سبب از بین رفتن تمایل به یادگیری شود . (همان : ۱۷۲)

انگیزش عرضی : زمانی که فرد از بیرون برانگیخته می شود دارای انگیزه ی بیرونی است . وقتی فرد از بیرون برانگیخته

می شود ، برخی از پیامدهای مطلوب را به عنوان هدف در نظر می گیرد (مثلاً گرفتن نمره خوب یا اجتناب از شکست) .

لپر^۲ (۱۹۸۸) ؛ به نقل از قدم پور (۱۳۷۷) ، معتقد است که در انگیزش عرضی دانش آموزان برای بدست آوردن آنچه مورد علاقه ی آنهاست ، تلاش و کوشش خود را افزایش می دهند . در چنین شرایطی انجام تکلیف بعنوان وسیله ای برای بدست آوردن شیء مورد علاقه محسوب می شود .

به گفته براون ، رامیج^۳ (۱۹۹۰) دریافت که دانشجویان مدارس زبان خارجی که صرفاً به گرفتن نمره ورودی اکتفا نمی کردند انگیزه ی درونی مثبت برای موفقیت را دارا بودند . برعکس آنهایی که فقط برای کسب نمره ورودی تلاش می کردند انگیزه ی پایین و عملکرد ضعیفی داشتند . (فهیم ، ۱۳۸۱ : ۱۷۲)

براون بر اهمیت تمایز قائل شدن میان ساختار درونی / بیرونی و جهت گیری سازگاری / وسیله ای گاردنر اشاره داشته و می گوید ، ممکن است برخی انگیزه های درونی در واقع از نوع سازگاری باشند و برخی هم ممکن است نباشند . مثلاً فردی بنا به دلایل درونی فوق العاده می خواهد زبان دومی را فرا گیرد تا در شغلی پیشرفت کند یا در برنامه عملی خود موفق شود . همچنین فرد دیگری بنا به دلایل بیرونی نظیر تشویق معلم و والدین به گویش وران زبان دوم واکنش مثبت نشان می دهد . (همان : ۱۷۳)

1- Jerome Bruner

2-Lapper.

3 -Ramage.

برخی از صاحب نظران معتقدند انگیزش درونی هسته‌ی اصلی انگیزش در فرایند تحصیلی می‌باشد. از گذشته تصور بر این بوده است که انگیزش برونی عاملی در جهت کاهش انگیزش درونی است. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند هنگامیکه دانش‌آموزان مجبور باشند فعالیت را فقط برای برآوردن برخی نیازهای برونی (مثلاً مطالعات اجباری مدرسه) انجام دهند، انگیزه درونی را از دست می‌دهند. به نظر براون ترکیبات سنتی مدرسه نظیر سلطه معلم، نمرات، امتحانات، همراه ترکیبات آموزشی با تأکید بر رقابت، صحت^۱، محتوی و نتیجه^۲، باعث افزایش انگیزش برونی ولی مانع از تشریح مساعی دانش‌آموزان خواهد گردید. (علی اکبری، ۱۳۸۱، ص: ۵۸)

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند تحت شرایط خاص، پاداش‌های برونی و درونی می‌توانند در سطحی برابر ترکیب گردند. تئوری خود رأیی^۳ ارائه شده توسط دسی و رایان^۴ به ترکیبی از این دو معتقدند. به نظر آنها خود رأیی پیش شرط برای هر رفتار با هدف پاداش درونی می‌باشد. بر اساس این تئوری، انگیزش برونی و درونی دیگر دو جزء متضاد نیستند بلکه با تقسیم به نظامات چهارگانه به تدریج و مرحله‌ای انگیزش برونی به درونی تبدیل می‌گردد. (همان: ۵۹-۵۸)

براون (۱۹۹۰) و کروکس و اشمیت (۱۹۸۹) به نقل از گرجیان (۱۳۷۷)، نوع سومی از انگیزه را در این تقسیم‌بندی جای داده و آنرا انگیزه کامیابی مطرح کرده‌اند. انگیزش کامیابی که عالی‌ترین نوع انگیزش است به حد اکثر تلاش فرد که برای دستیابی به هدف مشخصی به کار بسته است اشاره دارد. آنچه که اهمیت دارد این است که هر یک از انواع انگیزش‌ها در یادگیری زبان تأثیر مستقیم دارند و به کمک آنها می‌توان زبان آموز را هدایت کرد تا به موانع درسی و آموزشی غلبه کرده لذت پیروزی را بچشد.

به گفته‌ی (گرجیان، ۱۳۷۷)، در مراحل اولیه انگیزش‌های برونی بر انگیزش درونی تقدم دارند، زیرا انگیزش‌های برونی باعث رشد همزمان انگیزش ابزاری می‌شود که در مرحله‌ی عالیتر رشد انگیزش سازگاری را به دنبال دارد که در نهایت باعث رشد دو انگیزش دیگر یعنی انگیزش درونی و کامیابی خواهد شد. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که سه نوع انگیزش (برونی، درنی و کامیابی) کاملاً در رابطه با یکدیگر بوده و عوامل فردی، روانی و اجتماعی در کاهش یا افزایش هر کدام تأثیر دارد. یعنی تفاوت‌های فردی می‌تواند در میزان و تنوع انگیزش تأثیر بگذارد.

1- correctness

2- Product

3-self determination

انگیزش عمومی^۱ : بروفی^۲ (۱۹۸۷) در تعریف انگیزش عمومی برای یادگیری می نویسد ؛ این نوع انگیزش گرایشی

بادوام و گسترده برای تلاش در کسب دانش و تسلط بر مهارت‌های مربوط به یادگیری است. از نظر (میسون^۳ و استیپک^۴ ، ۱۹۸۹) ، انگیزش عمومی وقتی ایجاد شد ، در تمام دوره ی مدرسه ، در دانشگاه ، در محیط کار و موقعیتهای زندگی واقعی ادامه خواهد یافت و گستردگی آن از این جهت حائز اهمیت است که نقش میان بر زدن در برنامه ی درسی را دارد ، و هر چند ممکن است از یک کلاس تا کلاس دیگر تفاوت داشته باشد ، نوعاً فراتر از یک موضوع کلاسی خاص است . چنین انگیزه ای در درون دانش آموز است و حاصل تاریخچه ی درازی از تجربیات با مدرسه و کلاس درس است و وقت و تلاش بیشتری می طلبد تا تغییر کند . (کریمی ، ۱۳۸۲ : ۱۱۹)

انگیزش اختصاصی : انگیزش اختصاصی برای یادگیری به یادگیری یک درس خاص از سوی دانش آموز نیرو می دهد و معمولاً وابسته به عوامل بیرونی است و بیشتر بستگی به معلم و محتوای درس دارد . این انگیزه بیشتر در کنترل معلم است . (کریمی ، ۱۳۸۲ : ۱۱۹)

شکل ۱-۲ : انگیزش عمومی و اختصاصی برای یادگیری (اقتباس از ایگن و کوچاک ، ۱۹۹۲)

(کریمی ، ۱۳۸۲ : ۱۱۹)

نوع انگیزش	منبع	میزان ثبات
انگیزش عمومی	خود یاد گیرنده	ثابت در طول زمان
انگیزش اختصاصی	معلم و موضوع درس	نا پایدار - بستگی به معلم و موضوع دارد

1-general motivation .

2-Brophy .

3-Mason .

4-Stipek .